

چرا خبری از این ادبیات در داخل نیست؟

شرق: در حالی پنجاه‌ودومین نشست سالانه مجمع جهانی اقتصاد در داووس سوئیس با جملاتی از امیرعبداللهیان پیرامون فشار مجلس یازدهم بر دولت رئیسی برای نپذیرفتن برجام و محکومیت جنگ اوکراین همراه بود.

با وجود آنکه مواضع حسین امیرعبداللهیان در نشست داووس راجع به مسائل مختلف حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤید سطحی از انعطاف کلامی و دقت در بیان گفته‌هایش بود، اما در عین حال جملاتی را هم مطرح کرد که مماس با خطوط قرمز تهران جلوه می‌کند. چه فضای بین‌المللی اجلاسی چون داووس باعث مطرح‌شدن این جملات از زبان امیرعبداللهیان شده باشد یا تجربه ۲۷۶روزه‌اش بر کرسی وزارت امور خارجه و آشنایی با واقعیت‌های عرصه بین‌الملل، اما به هر حال گفته‌های او مبین نوعی نگاه دوگانه وزیر امور خارجه دولت رئیسی برای بیان مواضعش درخصوص یک مسئله واحد است.

اگر به باور وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، مجلس شورای اسلامی یا حداقل طیف تندروی مجلس یازدهم مخالف احیای برجام است و به طریق اولی مانند دولت

رئیس قوه قضائیه در دیدار با مددجویان زندان زنان وعده داد

تعیین مسئولی برای رسیدگی به درخواست‌های زندانیان زن



شرق: رئیس دستگاه عدلیه که یکی از برنامه‌های قضائی خود را بازدید سرزده از زندان‌ها قرار داد، دیروز به زندان زنان در قرچک رفت؛ زندانی که هزارگاهی در رابطه با شرایط سخت نگهداری مددجویان زن، خبرهایی از آن منتشر می‌شود و این بازدید به جهت تسهیل در اجرای دستورات قضائی رئیس قوه قضائیه، مبنی بر رفتار مناسب با زندانیان و بازپروای اجتماعی آنان در طول محکومیت می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.
او پیش از این از زندان‌های مختلف بازدید داشته و یکی از مهم‌ترین آنها در اواسط تابستان گذشته، بازدید از زندان اوین بود که برای اولین بار رئیس دستگاه قضا به بند محکومان امنیتی هم سری زد و پای سخنان مهمان امنیتی نشست و دستورات مهمی همچون ضرورت کاهش قرار بازداشت موقت را صادر کرد. در آن دیدار، محسنی‌اژهای تأکید کرده بود: «قرار بازداشت موقت تا آنجایی که ضرورت دارد صادر نشود و آنهایی هم که ضروری است، با ملاحظه دقیق قانون باشد.»

رئیس قوه قضائیه خاطر‌نشان کرده بود: «در این‌گونه موارد بازداشت موقت هم پیرونده‌ها باید زودتر و سریع‌تر رسیدگی شود تا زمان بازداشت کمتر شود.»

حال در ادامه بازدید از زندان‌ها که مدتی بود منحصر به زندان‌های شهرستان‌ها شده بود، نوبت به زندان زنان در تهران رسیده است که همراه با وعده حل مشکلات زنان زندانی با تعیین مسئولی از سمت قاضی القضاات بود.

محسنی‌اژهای در یک برنامه چهارساعته، صبح جمعه از همه سالن‌ها و بخش‌های مختلف زندان زنان قرچک بازدید کرد که با توصیه‌های مهمی برای زندانیان و خبر احتمال عفو بسیاری از این زندانیان در اعیاد اسلامی پیش‌رو همراه بود.

حجت‌الاسلام محسنی‌اژهای در این بازدیدی گفت: نقش و رسالت مسئولان و کارکنان زندان زنان در اصلاح و بازاجتماعی‌کردن مددجویانی که دچار انحراف و لغزش شده‌اند، بسیار حائز اهمیت و خطیر است.

رئیس دستگاه قضا ادامه داد: در زندان، ما با افرادی مواجهیم که از جنبه‌های گوناگون فردی و اجتماعی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند و بعضا ناامید هستند. همین جهات و جنبه‌هاست که کار زندانیانی را متفاوت از سایر متناغل کرده و ایجاد می‌کند یک زندانیان، به‌ویژه زندانیان زندان زنان، در کارش و در نحوه مواجهه‌اش با مددجویان، مجهز به ظرفت‌ها و شکرگدهایی باشد که نهایتا به هدایت، اصلاح و بازاجتماعی‌شدن زندانی بینجامد.

یادداشت

خاورمیانه خاک بر سر



سیدجمال‌هادیان طنایی‌زواره

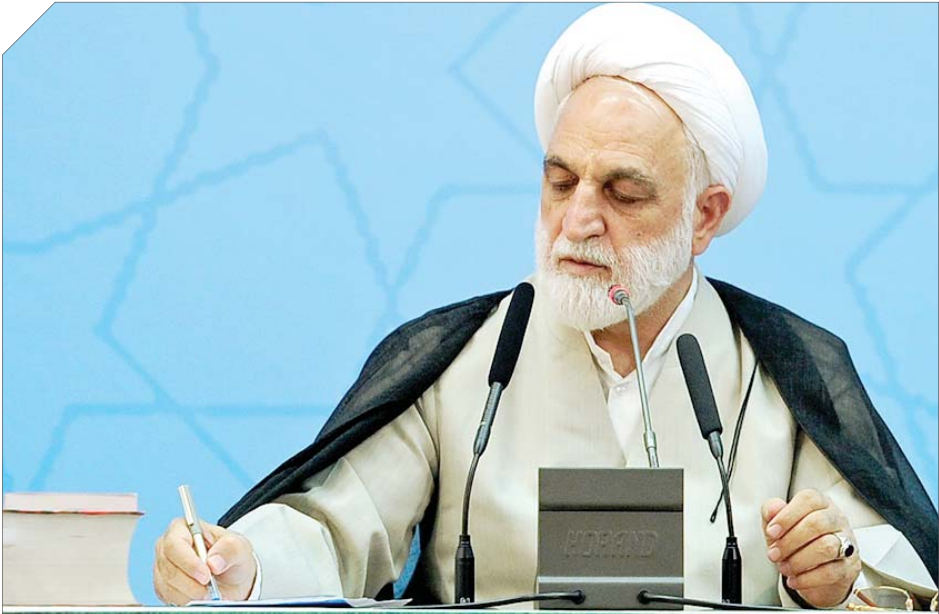
شاید به ذهن شما هم خطور کرده که چرا این‌قدر بلا و مصیبت در خاورمیانه انباشته و بر سر مردم این منطقه آوار شده است؛ چونان زائویی که دالم درد می‌کشد؛ اما هرگز فارغ نمی‌شود. اخیرترینش هم همین خاکی است که بر سرمران باریده و تنفس را دشوار کرده است. البته عوایق وحشتناک دیگری هم دارد که کم‌کم مشخص می‌شود؛ از خشک‌شدن گیاهان و تلف‌شدن حیوانات تا فراوانی و تشدید بیماری‌های انسانی.

اگر از تاریخ پرتنش این منطقه از دوره باستان تا دوره معاصر بگذریم، در دوره حاضر جنگ‌های جهانی اول و دوم به خاورمیانه نیز کشیده شد و بخشی از ثروت و منابع این منطقه را از بین برد. از ۱۹۴۸ که صهیونیست‌ها با ترنند بخشی از فلسطین را اشغال کردند، بحران در این منطقه نهادینه شد. آنها با خودخواهی خودشان را قوم برتر دانستند و در پی برآوردن آرمان‌های قومی بودند. این موضوع کل خاورمیانه را متاثر کرد. کمی بیایید جلوتر، وقتی اتحاد جماهیر شوروی سابق با آرمانی واهی و خودخواهی به افغانستان حمله کرد و طی سال‌ها این کشور را فرسود و برای آن حاصلی جز جنگ‌های داخلی و کشوری عقب‌مانده باقی نگذاشت. باز هم بیایید جلوتر، زمانی که صدام حسین با خودخواهی خودش را سردار قادسیه نامید، خوزستان را جزئی از عراق دانست و جنگ هشت‌ساله را آغاز کرد تا در نبردی طولانی بخش بزرگی از منابع و ثروت طبیعی خاورمیانه نابود شود. باز هم بیایید جلوتر، زمانی که صدام به کویت حمله کرد و آن را استانی از عراق نامید و در پی آن تهاجم آمریکا به متحدش به عراق با عنوان جنگ خلیج فارس آغاز شد و کل منطقه خاورمیانه را تضعیف کرد. بیایید جلوتر، زمانی که رجب ریزهای در ترکیه با خودخواهی دنبال توهم احیای امپراتور عثمانی رفت، خود را برترین سیاست‌مدار جهان تصور کرد و آب بر تن عراق

روحانی از هر ابزاری برای عدم حصول توافق در وین، حتی با روی کار آمدن دولت متبوعشان (رئیس) استفاده می‌کند، چرا امیرعبداللهیان در داخل کشور بیان این فشارهای پشت پرده را برای تنویر هر چه بهتر و بیشتر افکار عمومی و فضای سیاسی – رسانه‌ای ندارد، اما در داووس جرئت بیان این واقعیت را که تقریبا برای همه افکار عمومی در داخل روشن شده است، به خود می‌دهد؟

اگر هم وزیر امور خارجه به دنبال توجیه‌زدایی و به نوعی مشروعیت‌زدایی از دلایل ناتوانی دولت بایدن در پذیرفتن شروط ایران به واسطه فشار سنا بوده است که امیرعبداللهیان با این موضع‌گیری خود عملا طیف تندروی داخلی را قربانی کرده است؛ موضع‌گیری‌ای که به دنبالش احتمالا هجمه مجدد علیه وی کلید خواهد خورد، کما اینکه درخصوص سیاه‌ شاهد پروژه تخریب امیرعبداللهیان بودیم. شدت این هجمه‌ها تا جایی پیش رفت که وزیر امور خارجه دولت رئیسی مجبور به عذرخواهی شد، ولی نکته اینجاست که امیرعبداللهیان شاید این بار حتی با یوزش هم قادر به مدیریت و کنترل تبعات منفی سخنانش در حاشیه اجلاس داووس نشود.

در کنار اینها اگرچه اجلاس داووس با بیان محکومیت جنگ اوکراین به صورت رسمی از زبان وزیر امور خارجه بدون اسم‌بردن از روسیه به عنوان طرف متجاوز و متخاصم توأم شد، اما به هر حال طرح آن در پنل اختصاصی گفت‌وگو با فرید ذکریا به نحوی دربردارنده محکومیت اقدام پوتین در حمله به اوکراین است که حتی با نام‌بردن از افغانستان، عراق، یمن و فلسطین هم کمرنگ نمی‌شود. خصوصا آنکه امیرعبداللهیان از لفظ «قویا» محکوم می‌کنیم در مواضع خود استفاده کرد، این در حالی است که تا پیش از این طی ۹۳ روزی که از جنگ اوکراین می‌گذرد ایران ذیل قدرت جریان روسوفیل‌های وطنی صرفا به مخالفت با جنگ و تلاش‌هایی در حد موضع‌گیری دیپلماتیک و اعلام آمادگی برای میانجیگری و خاتمه‌دادن به تجاوز پوتین بسنده کرده بود، ولی به موازاتش تهران از هیچ‌گونه تلاش رسانه‌ای، سیاسی، دیپلماتیک و… برای حمایت از روسیه و توجیه تجاوز مسسکو و جنایاتش در اوکراین دریغ نکرده است. با این حال سؤال اینجاست که چرا در بوحوبه جنگ اوکراین وزیر امور خارجه دولت سیزدهم



رئیس قوه قضائیه در دیدار با مددجویان زندان زنان وعده داد

ذکر جزئیات، درخواست‌های خود، وضعیت خانوادگی، نوع محکومیت، سوابق کیفری، میزان بهره‌مندی خود از ارفاقات قانونی را درج کنید. قاضی القضاات به مددجویان این زندان اطمینان خاطر داد به تک‌تک نامه‌ها و درخواست‌های مددجویان مبتنی بر اقتضانات قانونی رسیدگی خواهد شد.

رئیس عدلیه همچنین خطاب به مددجویان زندان زنان قرچک گفت: همچنین اشخاصی را مسئول خواهیم کرد تا در صورت لزوم برای پیشبرد امور شما، وفق درخواست‌هایی که دارید، با قاضی صادرکننده حکم و قاضی اجرای احکام پرونده، در جهت اعمال ارفاقات قانونی رایزنی داشته باشند.

در جریان این بازدید، به دستور رئیس قوه قضائیه، تمامی نامه‌های زندانیان که حاوی درخواست‌های آنها بود، جمع‌آوری شد تا مبتنی بر جهات و ملاحظات قانونی به آنها ترتیب اثر داده شود.

مسئول زندان زنان قرچک نیز با قدردانی از نگاه ویژه رئیس دستگاه قضا بر امر بهبود وضعیت زندانیان، به‌ویژه مدجویان زن گفت: در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۷۴ نفر از محکومان مالی زندان زنان قرچک با کمک خیرین و مساعدت‌های قضائی آزاد شدند و بسته‌های کمک‌های معیشتی به خانواده‌های محکومان این زندان تعلق گرفت. او افزود: در حال حاضر ۱۱۳ نفر در زندان زنان قرچک اشتغال نشسته دارند و ۱۴۹ نفر نیز دارای رای باز هستند و ۸۵ نفر هم در کارگاه‌های زندان مشغول به کار هستند و امرار معاش می‌کنند.

کشاورزی نهضت سدسازی در ایران آغاز شد. ساختن سدهای متعدد یعنی دخالت در زیست‌بوم‌های طبیعی، یعنی آبادکردن نواری باریک و خشکاندن پهنه‌ای بزرگ. یعنی توان به بهانه مهار آب‌های سطحی و سیلاب‌ها همه جا را سد بست. این نمونه‌ای از توسعه نامتوازن در مدیریت منابع آبی است. وقتی رواناب‌ها جمع شود؛ میان‌شان ظهور و بروز کرده از غصه و مصیبت و چالش دور باشند. خواهش می‌کنم نگویید «سنت لاتینغیر امتحان و ابتلا برای مسلمانان و مؤمنان است و صبر بر مصائب ثواب دارد و ملت‌هایی که در راه و آسایش‌اند، نامسلمانی هستند که به حال خود رها شده‌اند تا هرچه بیشتر در گمراهی غرق شوند!». لطفا بالای منبر نگویید «ناشکری و بدحجابی عامل این وضعیت است!». لطفا کوتاه‌ی و ولنگاری، تبیلی و خودخواهی خود را به حساب سنت‌های تغییر‌ناپذیر پروردگار نگذارید. قبول کنید که از ماسکت که بر ماسکت! فرهنگ حاکم بر خودآمدن هر سانتی‌متر مربع خاک مرتع گاه هزاران سال در طبیعت زمان می‌برد. شخم‌زدن مراتع و دامنه‌ها یعنی خارج‌ساختن عناصر غذایی از دسترس خاک و تبدیل خاک غنی به خاک فقیر. همه اینها به‌تدریج زیست‌بوم و گونه‌های گیاهی و جانوری آن را نابود و زنجیره و شبکه غذایی را دچار اختلال و اشکال کرد تا الان به چه‌کنم چه‌کنم بیفتیم. باز هم به همین جا ختم نمی‌شود! از آن وقت که نخستین چاه نفت ایران در مسجدسلیمان به بهره‌برداری رسید، ماجرای ما و نفت آغاز شد. منابع سیاهی که به جای پیشرفت عامل سکون و وابستگی بود. نفت می‌توانست پشتوانه اقتصاد باشد؛ اما با خام‌فروشی و استفاده ی‌بوه‌ی تبدیل به شاهرگ حیاتی خاورمیانه و مهم‌ترین عامل آلودگی محیط زیست شد. همه چیز را رها کردیم و پای نفت نشستیم به امید آنکه ثروت بی‌کرانی زیر پایمان داریم. پس بفروشیم و بخوریم. ای کاش نفت نداشتیم، شاید از این خودخواهی دست برمی‌داشتیم. درحالی‌که ما هنوز هم در بند نفت و مشتقات پروردگار می‌گردیم و استفاده از انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی رفته است. امروز صفحه‌های نازک و سبک سیلیکونی بازدهی چند ده‌برابری نسبت به نسل‌های قبلی سلول‌های خورشیدی دارند. حتی در کشورهای نیمه‌ایری از ظرفیت این صفحات در نیروگاه‌ها و منازل استفاده می‌شود؛ اما ما با منبع لایزال انرژی خورشیدی هنوز دنبال ایجاد نیروگاه‌های حرارتی و برقایی هستیم. دور نیست روزی که همه خودروسازان جهان به تولید خودروهای هیبریدی، تمام‌برقی و خورشیدی روی آورند و ما هنوز در صف پیمپ بزین باقیالم. در یک

کلام حکمرانی در خاورمیانه هنوز به بلوغ نرسیده است. شاید بارها به ذهن‌تان خطور کرده باشد که چرا خاورمیانه که محل برانگیخته‌شدن همه پیامبران الهی و نزول همه کتاب‌های آسمانی است، باید دچار چنین دشواری‌هایی باشد و مثلا کشورهای اسکانندیای و شرق دور که نه تاریخ دیرینه‌ای دارند و نه پیامبری میان‌شان ظهور و بروز کرده از غصه و مصیبت و چالش دور باشند. خواهش می‌کنم نگویید «سنت لاتینغیر امتحان و ابتلا برای مسلمانان و مؤمنان است و صبر بر مصائب ثواب دارد و ملت‌هایی که در راه و آسایش‌اند، نامسلمانی هستند که به حال خود رها شده‌اند تا هرچه بیشتر در گمراهی غرق شوند!». لطفا بالای منبر نگویید «ناشکری و بدحجابی عامل این وضعیت است!». لطفا کوتاه‌ی و ولنگاری، تبیلی و خودخواهی خود را به حساب سنت‌های تغییر‌ناپذیر پروردگار نگذارید. قبول کنید که از ماسکت که بر ماسکت! فرهنگ حاکم بر خودآمدن هر سانتی‌متر مربع خاک مرتع گاه هزاران سال در طبیعت زمان می‌برد. شخم‌زدن مراتع و دامنه‌ها یعنی خارج‌ساختن عناصر غذایی از دسترس خاک و تبدیل خاک غنی به خاک فقیر. همه اینها به‌تدریج زیست‌بوم و گونه‌های گیاهی و جانوری آن را نابود و زنجیره و شبکه غذایی را دچار اختلال و اشکال کرد تا الان به چه‌کنم چه‌کنم بیفتیم. باز هم به همین جا ختم نمی‌شود! از آن وقت که نخستین چاه نفت ایران در مسجدسلیمان به بهره‌برداری رسید، ماجرای ما و نفت آغاز شد. منابع سیاهی که به جای پیشرفت عامل سکون و وابستگی بود. نفت می‌توانست پشتوانه اقتصاد باشد؛ اما با خام‌فروشی و استفاده ی‌بوه‌ی تبدیل به شاهرگ حیاتی خاورمیانه و مهم‌ترین عامل آلودگی محیط زیست شد. همه چیز را رها کردیم و پای نفت نشستیم به امید آنکه ثروت بی‌کرانی زیر پایمان داریم. پس بفروشیم و بخوریم. ای کاش نفت نداشتیم، شاید از این خودخواهی دست برمی‌داشتیم. درحالی‌که ما هنوز هم در بند نفت و مشتقات پروردگار می‌گردیم و استفاده از انرژی‌های پاک مانند انرژی خورشیدی رفته است. امروز صفحه‌های نازک و سبک سیلیکونی بازدهی چند ده‌برابری نسبت به نسل‌های قبلی سلول‌های خورشیدی دارند. حتی در کشورهای نیمه‌ایری از ظرفیت این صفحات در نیروگاه‌ها و منازل استفاده می‌شود؛ اما ما با منبع لایزال انرژی خورشیدی هنوز دنبال ایجاد نیروگاه‌های حرارتی و برقایی هستیم. دور نیست روزی که همه خودروسازان جهان به تولید خودروهای هیبریدی، تمام‌برقی و خورشیدی روی آورند و ما هنوز در صف پیمپ بزین باقیالم. در یک

جنگ اوکراین را، آن هم به شکلی رادیکال با به‌کارگیری عبارت «قویا» در اجلاس مهمی چون داووس محکوم کرد؟

در پاسخ باید گفت که این‌گونه به نظر می‌رسد که مخاطب اصلی اعلام این محکومیت خود روس‌ها باشد. بیرونکته یادشده فارغ از واکنش مسکو به این موضع‌گیری امیرعبداللهیان بی‌شک شرایط بعد از جنگ اوکراین و رفتار مخرب کرملین در به بن‌بست کشاندن مذاکرات وین و از آن مهم‌تر اقدامات روس‌ها در ارزان‌فروشی نفت به مشتریان ایران و کشاندن آنها به سمت خود در شرایط بحرانی اقتصادی ایران می‌تواند حکایت از اعتراض پنهانی تهران هم داشته باشد. به هر حال علاوه بر ارزان‌فروشی نفتی روسیه برای ناکام‌گذاشتن بازار انرژی ایران شاهد سیاست مشابه در حوزه‌های صنعت فولاد، پتروشیمی و… هستیم که سبب شده تجارت کمرمق ایران به محاق برود؛ بنابراین محکومیت جنگ اوکراین از زبان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست داووس می‌تواند پرده‌ای از عدم رضایت تهران نسبت به «مفت‌بری» مسکو تلقی شود.

نگاه

تغییر رفتار واشنگتن و سوءمحاسبه‌های تهران

مهدی بازرگان؛ معافیت‌های تحریمی نفتی دولت بایدن به‌عنوان گامی اعتمادساز گویا به جای ایجاد فضای تسهیل‌کننده برای مذاکرات و حصول هرچه زودتر توافق، ارزان‌فروشی نفتی روسیه در عملا تهران را دچار سوءمحاسبه کرد.

ایجاد فضای نسبی بازتر برای تهران در راستای فروش آزادانه‌تر نفت از سوی دولت بایدن و چراغ سبز واشنگتن به یکن، دهلی‌نو و… برای خرید نفت از ایران در کنار تأثیرات جنگ اوکراین بر سیر صعودی بهای انرژی در جهان و مهم‌تر از آن نیاز اروپا و آمریکا به کشورهای تولیدکننده نفتی برای پرکردن خلأ انرژی روسیه، جمهوری اسلامی را به این باور رساند که نیازی به احیای برجام و لغو تحریم‌ها نیست؛ زیرا در شرایط کنونی با افزایش کمی میزان فروش نفت با قیمت‌هایی بالاتر از ۱۰۵ دلار که می‌تواند کسری یک میلیون بشکه فروش روزانه را پوشش دهد، دیگر نباید به سمت حصول توافق در وین رفت؛ نگاهی که از سوی طیف رادیکال ضدبرجامی و رسانه‌های متبوع به‌صراحت مطرح شد.

درعین‌حال سناریوی دیگری که آن روی سوءمحاسبه ایران را نشان می‌دهد، امتیازگیری حداکثری از فضای بعد از جنگ اوکراین بود. تهران این تصور را داشته و دارد که در وضعیت فعلی که تقابل آمریکا و اروپا با روسیه در جنگ اوکراین به اوج رسیده است، غرب به توافق هسته‌ای با ایران برای بلاکتردن اهرم فشار کرملین در مذاکرات وین نیاز بیشتری دارد؛ پس می‌توان به سمت امتیاز حداکثری با محوریت خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی رفت؛ موضعی که درست بعد از جنگ اوکراین از سوی تهران مطرح شد، غافل از اینکه با وجود اهمیت پایان‌دادن به نگرانی‌ها درخصوص پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران ذیل حصول توافق، اما واشنگتن به هر قیمتی حاضر به احیای برجام نیست. دراین‌بین نقش آفرینی روس‌ها برای خاموش‌کردن موتور مذاکرات از درخواست برای معافیت تحریمی با ایران گرفته تا تحریک تهران برای مطرح‌کردن خطوط قرمز فرابرجامی که به استناد برخی اخبار با مدیریت کرملین اجرایی شد، سوءمحاسبه‌های ایران را تعمیق بخشید. با درنظرگرفتن مجموعه این نکات بود که بن‌بست ۷۸روزه در مذاکرات وین شکل گرفت که به نظر می‌رسد با سفر انریکه مورا و شیخ تمیم هم این گره کور به این زودی‌ها بازشدنی نیست؛ اگر نگوییم که شکست پیشاپیش مذاکرات از هم‌انکون مسجل شده است.

دراین‌بین سه اتفاق و اقدام واشنگتن گویای آن است که دولت بایدن به دلایل متعدد به‌خصوص تداوم سوءمحاسبه‌های تهران خواهان بستن فضای باز اعتمادسازی با طرف ایرانی است.

از تصمیم قاطع برای ماندن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی تا توقیف و صادره محموله نفتی ایران با فشار به آن و مهم‌تر از همه اعمال تحریم‌های جدید علیه ۲۰ فرد و شرکت با تابعیت کشورهای مختلف به‌واسطه همکاری با سپاه و فروش نفت جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که بایدن حتی جدی‌تر از ترامپ پیش‌تر تحریم‌ها را سخت‌تر کرده است. دایره تحریم‌های چهارشنبه گذشته به قدری گسترده است که از شهروندان ایرانی تا اتباع ترکیه و افغانستان را در بر می‌گیرد و به موازاتش ۹ شرکت مستقر در هنگ‌کنگ، لبنان، چین، ایران، روسیه، کره جنوبی و امارات را نیز شامل می‌شود. این میزان از وسعت تحریم‌ها مختلف به‌واسطه خنجر از پشت اتخاذ سیاستی رادیکال‌تر در قبال تهران دارد، با این تفاوت که واشنگتن برخلاف دولت سابق این بار همراهی جامعه جهانی را با خود دارد تا جایی که کافی است با کلیدزدن مکانیسم ماشه از سوی یکی از سه عضو اروپایی برجام به درخواست واشنگتن شرایط به نحوی رقم بخورد که وتوی چین و روسیه هم محلی از اعراب نداشته باشد.

مضافا برخی ادعاهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مواضع رافائل گروسی در این چند روز هم مؤید آن است که این نهاد بخشی از افزایش فشار بر تهران را کلید زده است.

رجعت بایدن به سیاست توقیف محموله‌های نفتی و نیز به صفر رساندن فروش نفت ایران گواه آن است که ایران دیگر دستت بازی برای فروش نفت ندارد؛ هرچند خنجر از پشت روسیه و ونزولنا در ارزان‌فروشی نفتی به مشتریان اصلی ایران بعد از جنگ اوکراین هم معضل مضاعفی بود که تهران در یک منگنه قرار نگیرد؛ آن هم در شرایطی که دولت سیزدهم با ابربحران اقتصادی و معیشتی در داخل دست‌وپنجه نرم می‌کند و به‌شدت به درآمدهای نفتی نیاز دارد. حال باید دید با تغییر فضای کنونی سوءمحاسبه‌های تهران هم پایان خواهد یافت یا خیر؟